

# فردوسی خداوند اخلاق

نگارش آقای عبدالجسین میکده

همانطور که فردوسی در عالم شعر مقامی بسیار ارجمند حائز می باشد و از این حیث مفخر ایرانیان است همانطور از لحاظ اخلاقی نیز در نزد عموم مزیتی دارد که برای سایر شعرای ایران آن مقام را دست نداده است .

دهقان زاده‌ای که با بیانی جزیل کاخ با عظمت زبان پارسی را در کشور باجلالت ادبیات دنیا بنیاد نهاده و با نیروی قام مهمی را انجام داده که شمشیر جنگجویان و سنان رزم آوران از آن عاجز بوده است ،

شاعر مجید و بزرگوار که روح وطن پرستی و ملیت از دست شده ایرانی را باز آورده و مرد جلیل القدری که با مناعت طبع و ذوق سرشار و همت خستگی ناپذیر خود تاریخ فراموش شده و پراکنده ایران را جمع آوری نموده است علاوه بر تمام مزایای ادبی و صنعتی بهترین نمونه یک فرد مؤدب و باتقوی و اخلاقی می باشد .

فردوسی دارای جنبه‌های مختلفی است که تشریح هر یک از آنها مجال زیاد می طلبد که از دایره اطلاعات من بنده و از حوصله این مقاله خارج است .

با آفرینش فردوسی گوئی خداوند می خواسته است کسی را بیافریند که واجد کلیه خصائل ممتاز و صفات حمیده باشد . با آفرینش فردوسی خداوند می خواسته است نمونه یک مرد «ایدال» و دلخواه بوجود آورد که گل او با عشق بهرزوبوم، با یزدان پرستی، نیکوکاری، رشادت ، قوت ایمان ، عفت ، راستی ، دلاوری و احترام و گذشت و بزرگوار می مخمر باشد .

قریب سی سال با انواع و محن دست در گریبان بودن و تاریخ پراکنده داستان ملی را از گوشه گرد آوردن و آنرا با بهترین بیانی برشته نظم کشیدن و قریب شصت هزار بیت سرودن امر فوق العاده مهمی است که اجرای آن منوط به حس وطن پرستی و قوت اخلاقی و پشت کار و سرمایه علمی و ادبی مخصوصی است که خداوند باین نابغه طوس و پیشوای چکامه سرایان ایران عطا فرموده است .

شاهنامه جاویدان فردوسی چون حاوی قصص و داستانهای ملی و قسمتهای تاریخی و شرح زندگانی اجداد ما می باشد بناچار دارای فصولی است که بافتح، و فیروزی، شکست ها، مغلوبی ها، حمله یا فرار، تولد یا مرگ، انقراض سلطنتها و آمدن قبایل دیگر توأم هست. در قریب شصت هزاریتی که سروده است این شاعر اجل در تمام موارد احترام و ادب را که از صفات ممتاز و بارز اوست با کمال شدت رعایت نموده است در بعضی از موارد هر چند احساسات تأثر آمیز خود را بیان نموده معیناً هیچگاه لفظی ادا نکرده است که از دائرة ادب و احترام خارج باشد. این منحصر بذکاء طبع وجودت نفس فردوسی است که بتوان تأثرات و سوز درونی خود را اظهار داشت و لفظ ناهنجاری نسبت به توهین کنندگان دیار و مرز و بوم خود بر زبان نراند خاصه در کتابی که برای تقویت حس و غرور ملی نوشته شده است. فردوسی که حتی المقدور مأخذ کتاب جاویدان خود را با دقت نقل نموده وقتی که از خوی اهریمنی و ناپاکی ضحاک فرزند «مرداس» که مردی درستکار بوده شگفتی اظهار می کند ناپاکی و خوی بد و پدر کشی او را با چند بیت ذیل بانهایت ادب و عفت ادامی نماید و فقط مردم رقیق از خلال سطور به کنه و حقیقت موضوع و قوف حاصل میکنند:

که فرزند بدگر بود نره شیر      بخون پدر هم نباشد دلیر  
مگر در نهانی سخن دیگر است      پشوهنده را راز با مادر است  
پسر کورها کرد رسم پدر      تو بیگانه خوان و خوانش پسر

در موقع عروسی اسکندر مقدونی و روشنک دختر دارای سوم فردوسی تأثر مردم را که وادار بتزئین شهر برخلاف میل خود بودند فی المثل باینک بت مختصر ولی براز معنا وصف میکند:

ببستند آژین بشهر اندرون      براز خنده لبها و دل پر ز خون  
افسانه دختر اردوان و اردشیر و موبد که بنابر گفته پروفیسور نولدکه شبیه بافسانه «بومبابوس» (Bombabus) می باشد نیز از مواردیست که مبین حجب و حیای فردوسی است. برای احتراز از تولید بدگمانی خود را از قوای تناسلی محروم میسازد تا بدگمانان او را در برابر شاه متهم نسازند. اتفاقاً پیش بینی موبد صائب بود و نزد شاه درج سر بسته ای را که بهمهر گنجور شاه رسیده بود خواست و برای تبرئه خود

عضو مقطوعه خود را از آن بر آورد. شاه پرسید که چیست فردوسی از زبان آن سردار با کمال حجب و حیامی گوید :

بدو گفت کاین خون گرم من است بریده ز بن بیخ شرم من است

بنابر این صرف نظر از مقام حماسی و ادبی و ملی که شاهنامه را کتاب ممدوح ماقرارداده است همین رعایت ادب و احترام است که از دیر باز شاهنامه را کتاب خانوادگی ایرانیان قلمداد کرده و هر پدر و مادری که علاقه بتقوای خانوادگی و نجات نسل خود دارد خواندن آنرا فریضه فرزندان خود نموده است. مطالعه شاهنامه برای خانواده‌گان ایرانی گذشته از دارا بودن لذات تاریخی و فایده ملی و افسانه‌ای لذت و فائده دیگر در بردارد که همانا لذت اخلاقی است. توکل بخداوند، احترام پشاه، اتکاء بنیروی اخلاقی و جسمی، تقدیر از بزرگان پدر و مادر، وطن دوستی، عفودر موقع فیروزی، رعایت زیردستان، درستی در انجام وظیفه، فرمانبرداری و تعلق باجرای اصول مذهبی مباحثی است که همواره در رفتار و کردار پهلوانان این کتاب خوانده می شود و بهترین سرمشقی است اخلاقی برای انسان اجتماعی.

برای اثبات این مسائل تصفح کتاب لایزال این فرد کامل بهترین دلیل میباشد و شکی نیست که فردوسی می خواسته است بنای شرك و تردید و تفرق عقاید را که در سه قرن اول هجرت در ایران شیوع یافته بود حتی المقدور بر طرف سازد و با توکل بخداوند و احترام پشاه و اتکاء به نیروی جسمی و معنوی و صفاتی که فوآذ کر شدیک ملت متفرق و مأیوس و پراکنده ای را متحد و امیدوار ساخته و با استقرار استقلال کامل آنها را برانگیزاند. همین مقصود بود که قبل از فردوسی نیز از طرف ایرانیان غیور توصیه میشد و همین منظور بود که خون بابک خرم دین و مازیار و بومسالم خراسانی را بر خاک ریخت، تا اینکه فردوسی با نیروی قلم تخم آرزوی آنها را در دل ایرانیان کاشت و بهره آنرا نصیب اخلاف خود نمود.

باقبول همان خصائل و صفات است که يك ملت متفرق و مردود توفیق یافت که خود را از یوغ اسارت و شکستگی رهائی بخشد و اینک برای حالت روحی نسل معاصر داروئی بهتر از دستورهای اخلاقی فردوسی نیست که بقول نویسنده فرانسوی آلفرد موسه این مرض قرن «Mal du Siècle» ما را شفا بخشد.